



Woman in Culture and Arts

Reconstructing Trust in Couples: A Case Study

Zahra Amanollahi¹ | Zahra Gitipasand² | Mitra Moradi³ |
Fahimeh Fadakar Davarani⁴

1. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: Z.Amanollahi@alzahra.ac.ir
2. Ph.D in Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: z_gitipasand@gmail.com
3. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: F_fadakar@atu.ac.ir
4. Corresponding Author, Ph.D in Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran: mi_moradi@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 21 July 2024 Received in revised form: 23 September Accepted: 13 October 2024 Published online:</p> <p>Keywords: <i>Marital Emotional Relationship</i> <i>Reconstructing Trust in Couples</i> <i>Marital Infidelity.</i></p>	<p>Research highlights the significant economic and social ramifications that, when infidelity leads to divorce, disrupt family dynamics and can have long-lasting negative effects on the individuals involved. This is due to the dissolution of the family unit. The study poses the following inquiry: How can a therapist establish a safe and supportive space for couples to investigate the underlying causes of infidelity, resolve fundamental issues, and devise strategies for communication and conflict resolution? In what ways can counseling assist couples in the process of reestablishing trust, fortifying their dedication to their relationship, and devising strategies for the future of their marriage? This qualitative case study implemented grounded theory methodology in order to enhance comprehension of infidelity and devise more effective intervention strategies. The participants were deliberately chosen from married couples who were seeking counseling at a Tehran counseling facility, where the primary concern was infidelity. In order to acquire a comprehensive comprehension of the therapeutic process, one couple participated in in-depth, semi-structured interviews during their 14 therapy sessions, each of which lasted a minimum of 90 minutes. This sampling method enabled a concentrated investigation of the ways in which therapy can address infidelity.</p> <p>The results indicate that infidelity is influenced by a variety of factors, including a lack of communication, a weak emotional connection, differing values, inappropriate workplace relationships, social media misuse, and negative familial experiences. The study also highlights the importance of improved communication, stronger emotional connection, healthy boundaries with extended family, a focus on "us" as a couple, and a personal connection to a higher power (if applicable) in rebuilding trust and strengthening the marriage during infidelity treatment.</p>

Cite this article: Amanollahi, Zahra; Gitipasand, Zahra; Moradi, Mitra; & Fadakar Davarani, Fahimeh; (). Reconstructing trust in couples: A case study, *Women in Culture & Art Journal*, DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.379124.2059>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.379124.2059>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

بازسازی اعتماد زوجین: مطالعه موردی

زهرا امان‌اللهی^۱ | زهرا گیتی پسند^۲ | میترا مرادی^۳ | فهیمه فداکار داورانی^۴

۱. استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: z.amanollahi@alzahra.ac.ir

۲. دکتری تخصصی مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: z.gitipasand@gmail.com

۳. نویسنده مسئول، دکتری تخصصی، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: mi_moradi@yahoo.com

۴. استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: ffddavarani@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
خانواده نظام عاطفی پیچیده‌ای است که وجه تمایز آن با سایر نظام‌های اجتماعی در وفاداری، عاطفه و دائمی بودن عضویت در آن است. اعتماد در رابطه زناشویی، از عوامل مؤثر در ثبات، امنیت و آرامش اعضای خانواده و زوجین است. خیانت زناشویی زیان‌آورترین عاملی است که موجب آسیب شدید رابطه زناشویی و در بسیاری موارد به طلاق زوجین منجر می‌شود، به اعتماد زوجین خدشه وارد می‌کند و فرزندان آن‌ها را نیز دچار مشکل می‌سازد. هدف پژوهش حاضر بررسی بازسازی اعتماد زوجین درگیر خیانت زناشویی است. روش پژوهش، مطالعه موردی با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته در یک زوج درگیر خیانت انجام گرفت که به صورت هدفمند انتخاب شدند. زوجین به مدت ۱۴ جلسه، هر جلسه یک‌ونیم ساعت مورد بررسی و درمان قرار گرفتند. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از نظریه زمینه‌ای انجام شد. یافته‌ها نشان داد نداشتن ارتباط مطلوب و ضعف رابطه عاطفی زوجین، ارزش‌ها و باورهای فردی، روابط نامناسب محیط کار، استفاده نادرست از شبکه‌های مجازی و تجارب نامطلوب خانواده مبدأ از عواملی است که در بروز خیانت مؤثر است. نتایج بیانگر کارایی بهبود تعاملات و رابطه عاطفی زوجین، تنظیم روابط با خانواده گسترده، تقویت مفهوم خانواده ما و بهبود ارتباط با خدا در تقویت ازدواج و بازسازی اعتماد در طول درمان خیانت است.	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲</p> <p>تاریخ انتشار:</p> <p>کلیدواژه‌ها: بازسازی اعتماد زوجین، خیانت زناشویی، رابطه عاطفی زوجی.</p>

استناد: امان‌اللهی، زهرا؛ گیتی پسند، زهرا؛ مرادی، میترا؛ فداکار داورانی، فهیمه (.). بازسازی اعتماد زوجین: مطالعه موردی. زن در فرهنگ و هنر،

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.379124.2059>



© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2024.379124.2059>

۱. مقدمه

خانواده نظام عاطفی پیچیده‌ای است که چند نسل را دربرمی‌گیرد و وجه تمایز آن با سایر نظام‌های اجتماعی در وفاداری، عاطفه و دائمی‌بودن عضویت در آن است (Goldenberg & Goldenberg, 2017). در حال حاضر به دلیل افزایش میزان طلاق‌های واقعی و عاطفی، وفاداری چالشی مهم برای کارشناسان خانواده و ازدواج در ایران است؛ چرا که بخشی از این طلاق‌ها ناشی از عدم وفاداری زوجین به زندگی مشترکشان است (Malekipour et al., 2022). آسیب ناشی از خیانت زمانی رخ می‌دهد که در هر بخشی از رابطه نقض قابل توجهی از اعتماد وجود داشته باشد (بی‌صدافتی، خیانت، قمار، سوء‌مصرف مواد، خشونت و...). افرادی که ترومای خیانت را تجربه می‌کنند، اغلب تغییری بزرگ در دنیای خود تجربه می‌کنند که درک آن‌ها از اعتماد را از بین می‌برد؛ چگونه اعتماد کنند، آیا می‌توانند به خود اعتماد کنند، چه کسی قابل اعتماد است و چگونه قابل اعتماد بودن را می‌توان تعیین کرد (Leavitt, 2023).

رفتار بی‌وفایی نمایانگر خیانت در تعهد و انحصار یک رابطه است که می‌تواند برای زوجها نتایج زیان‌باری داشته باشد و بر نگرش‌های مربوط به رابطه مثل اعتماد، صمیمیت فیزیکی و عاطفی اثر بگذارد و موجب تعاملاتی مخرب شود (Schonian, 2014; Clyde et al., 2020) و نه فقط در فرهنگ ما، بلکه در همه فرهنگ‌ها یکی از پرتکرارترین دلایل گزارش‌شده برای طلاق است (Lmmers et al., 2011). با توجه به اهمیت حفظ نهاد خانواده و پیشگیری از ایجاد آسیب‌های ناشی از جدایی و به‌هم‌ریختگی خانواده‌ها، این پژوهش به بررسی کیفی یک خیانت پس از افشا، مراحل درمان و کیفیت زندگی زوج پس از درمان پرداخت تا تأثیر مشاوره بر بهبود زندگی زوجین آسیب‌دیده از خیانت و بازسازی اعتماد را بررسی می‌کند. این زوج داستان درد بسیار شخصی خود را برای کمک به سایر زوجها بیان کردند تا سایرین بدانند پیوند ازدواج می‌تواند بعد از خیانت ادامه پیدا کند و حتی قوی‌تر شود.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه بی‌وفایی پژوهش‌های زیادی انجام شده است که به موضوعات مختلف از جمله دیدگاه زن و مرد در مورد خیانت، عوامل زمینه‌ساز خیانت، پیامدهای خیانت و راهبردهای درمانی و پیشگیری از خیانت پرداخته‌اند. لو و هارتنت^۱ (۲۰۰۵) معتقدند خیانت را به شیوه‌های مختلف می‌توان تعریف کرد؛ از جمله این فعالیت‌ها را می‌توان خیانت نامید: رابطه عاشقانه، رابطه فرازنشویی، رابطه جنسی به هر صورتی، رابطه عاطفی فراتر از دوستی، روابط اینترنتی، درگیری با پورنوگرافی و... . هرتلین و همکاران^۲ (۲۰۰۵) گفته‌اند آنچه تعاریف گسترده خیانت را پیچیده‌تر می‌کند این است که دو شخص در یک رابطه ممکن است نظرات متفاوتی درباره آنچه نشان از خیانت است داشته باشند. اغلب خیانت نسبتاً ذهنی است و تا حد زیادی به قوانین ضمنی و صریح رابطه بستگی دارد. اصطلاحات مختلفی مثل affairs, cheating, unfaithful, extramarital, extradyadic external involvement برای خیانت به کار می‌روند. علاوه بر واژه‌ها انواع مختلف خیانت به صورت فیزیکی، عاطفی و سایبری مشخص می‌شوند. خیانت فیزیکی یا جنسی از جمله شناخته‌شده‌ترین خیانت‌ها است. وایتی و کوپگلی^۳ (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که خیانت جنسی داشتن رابطه جنسی با فردی غیر از همسر است. رابطه‌ای که به‌عنوان رابطه‌ای عاطفی یا سایبری شروع می‌شود نیز به سرعت می‌تواند به رابطه حضوری تبدیل شود که به خیانت فیزیکی منجر شود. خیانت عاطفی اغلب بیشتر از نوع فیزیکی اتفاق می‌افتد و می‌توان گفت همان در دام عشق کسی افتادن همراه با صمیمیت عاطفی یا صرف زمان زیاد با فردی خارج از رابطه زنشویی است. خیانت‌های عاطفی محض، ایجاد یک پیوند عاطفی با فردی غیر از همسر است (Mattingly et al., 2010) و این رابطه عاطفی می‌تواند به اندازه خیانت فیزیکی آسیب‌زا یا تروماتیک باشد (Shckelford et al., 2002). اگرچه خیانت عاطفی و فیزیکی شناخته‌شده‌تر هستند، خیانت سایبری به‌طور فزاینده‌ای رو به گسترش است (Henline et al., 2007). اثرات خیانت آنلاین می‌تواند به شدت اثرات رابطه جنسی باشد. تلفن‌های هوشمند و اینترنت از طریق شبکه‌های اجتماعی مختلف برای عموم مردم، برقراری تعاملات خارج از ازدواج را آسان کرده است (Schonian, 2014). فاکتورهایی که با خیانت ارتباط دارند سن، تحصیلات، تاریخچه طلاق، مذهب، مدت رابطه و جنسیت هستند (Crouch & Dickes, 2016).

۱. Blow & Hartnett

۲. Hertlein et al.

۳. Whitty & Quigley

تفاوت‌های زیادی بین واکنش مردان و زنان به خیانت وجود دارد. زنان رابطه عاطفی شدید خارج از روابط زناشویی را بی‌وفایی می‌دانند، حتی اگر هیچ‌یک از اجزای رابطه فیزیکی وجود نداشته باشد، و مردان نسبت به درگیری‌های عاطفی خارج از رابطه زناشویی، تماس فیزیکی اولیه را معمولاً خیانت می‌دانند (Thornton & Nagurney, 2011). مردان بیشتر از زنان درگیر تعدد خیانت می‌شوند و در زنان جوان احتمال خیانت در اوایل ازدواج بیشتر است (Crouch & Dickes, 2016; Stanford, 2013). هاینز (۲۰۱۱) رضایت اندک زناشویی را دلیلی برای خیانت ذکر می‌کند. مردان بیشتر دلایل جنسی را ذکر می‌کنند و ممکن است خیانت به‌عنوان روشی برای خودمختاری و فاصله در ازدواج دیده شود. از سوی دیگر زنان به دلایل عاطفی وارد این‌گونه روابط می‌شوند و توجیهی مانند تسلی خاطر و صمیمیت بیشتر را بیان می‌کنند. به نظر هاینز (۲۰۱۱)، عمده‌ترین منشأ خیانت ریشه در محل کار دارد. تعداد زیاد زنانی که در طول دهه‌های گذشته وارد بازار کار شدند، فرصت خیانت را برای هر دو جنس زنان و مردان افزایش داد. شرکای خیانت اغلب در محل کار همدیگر را ملاقات می‌کنند؛ زیرا زمان زیادی از روز در محل کارشان می‌گذرد.

منابع علمی، خیانت را با توجه به پیامدهایش این‌گونه تعریف می‌کنند: عمل عاطفی/جنسی در فردی که درگیر روابط تعهد آمیز با شخصی است و عمل او خارج از رابطه اولیه و به‌منزله نقض اعتماد یا نقض توافق هنجارهایی است که به انحصار عاشقانه/عاطفی یا جنسی مربوط است (Crouch & Dickes, 2016). خیانت جنسی بیشتر از خیانت عاطفی موجب احساس خصومت، انتقام، خودکشی، قتل عام و حوادث تجاوز به عنف همسر خود می‌شود (Cousins & Gangestad, 2007). از سوی دیگر خیانت عاطفی، بیشتر از خیانت جنسی احساسات نامطلوب نامنی، افسردگی، بیچارگی و رهاشدگی را برمی‌انگیزد. این نتایج نشان می‌دهد در زمینه برانگیختن احساسات مختلف، تمایز واضحی بین خیانت عاطفی و جنسی وجود دارد (Wing-Shing & Marcus, 2015). درواقع واکنش به خیانت آن‌چنان شدید است که نشانه‌های اختلال پس از ضربه را دارد و فرد علائمی مثل تجربه دوباره حادثه، بی‌حسی، اجتناب و گوش‌به‌زنگی یا مراقبت بیش‌ازحد را تجربه می‌کند. افراد درگیر در یک رویداد آسیب‌زا اغلب در مورد حس خیانت و از بین رفتن اعتماد صحبت می‌کنند که به حس ناامیدی منجر می‌شود. این آسیب‌های روان‌شناختی، هم برای فردی که مرتکب خیانت شده و هم فرد آسیب‌دیده روی می‌دهد (Leavitt, 2023; Haines, 2011). مطالعات دیگر صفات شخصیتی و جنسیت را به‌عنوان همسته‌های خیانت شناسایی کردند؛ برای مثال خلق بالا، روان‌پریشی زیاد، توافق‌پذیری اندک، وجدان کم، کم‌ثباتی عاطفی (Stanford, 2013)، ضداجتماعی تکانشی (Witt & Donnellan, 2008) و روان‌رنجوری بسیار زیاد (Whisman et al., 2007) با افزایش احتمال خیانت ارتباط دارند.

داشتن روابط فرازناشویی می‌تواند در رابطه آسیب ایجاد کند و اغلب زوجین را برای جدایی، طلاق یا جستجوی خدمات مشاوره برانگیزاند (Rokach & Chan, 2023). براساس یک بازنگری (Allen et al., 2005) متداول‌ترین عواقب زناشویی خیانت، دوری زناشویی، خشونت خانگی و طلاق است (Stanford, 2013). خیانت نه‌فقط بر رابطه زن و شوهر بلکه بر سیستم خانواده، فرزندان و خانواده گسترده اثر می‌گذارد و لازم است این واقعیت در درمان در نظر گرفته شود (Haines, 2011). خیانت به‌خصوص وقتی به طلاق منجر شود، پیامدهای اقتصادی عمده و اجتماعی جانبی عمده‌ای به‌خاطر ازهم‌پاشیدن خانواده خواهد داشت (Crouch & Dickes, 2016). بنا بر نظر خوماس، ایندهاری و راجمان^۱ (۲۰۱۹) تغییرات روان‌شناختی می‌تواند به بازسازی اعتماد در قربانیان زناشویی منجر شود. بررسی فرایند آگاهی از خیانت همسر، واکنش فرد به این موضوع، بازسازی اعتماد و روند اعتماد دوباره به شریک عهدشکنانه نشان داد بازسازی اعتماد برای قربانیان خیانت براساس چندین عامل کلیدی شکل گرفته که عبارت‌اند از: بخشیدن فرد عهدشکن، تغییرات مثبت و پایدار در فرد عهدشکن، صداقت، قصد همکاری، اشتراک‌گذاری و حمایت متقابل زوجین. میشل و همکاران^۲ (۲۰۲۰) به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های تجربیات فرد آسیب‌دیده و فرد درگیر خیانت در سه حوزه بهبودی پس از خیانت پرداختند: تعهد به رابطه، ابعاد پیوند دلبستگی، فرایند بهبودی. تحلیل مضمون نشان داد در هر سه دسته، شباهت‌هایی میان هر دو شریک وجود دارد که عبارت‌اند از: برقراری ارتباط مکرر و باکیفیت، سازوکارهایی برای بازسازی امنیت و اعتماد، و اهمیت بخشش. باین‌حال، تجارب شرکا در موارد زیر متفاوت بود: واکنش به نیازهای عاطفی، روابط جنسی، واکنش به یادآوری‌های خیانت.

1. Khumas, Indahari, & Rachman.

2. Mitchell et al.

از پژوهش‌های داخلی شریفی و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای کیفی پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت از دیدگاه زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده را بررسی کردند. نطاق و همکاران (۲۰۲۴) در بررسی اثربخشی مدل پیشگیری از خیانت زناشویی با تکیه بر رویکرد غنی‌سازی زندگی زناشویی و رویکرد مبتنی بر پذیرش و تعهد بر گرایش به خیانت و سازگاری زناشویی، کارایی این مدل را در کاهش خیانت و افزایش سازگاری زناشویی نشان دادند ($P < 0.05$). دماوندی، نیکنام و هاشمی (۲۰۲۳) با هدف بررسی تأثیر آسیب‌های دوران کودکی بر نگرش به خیانت زناشویی با نقش میانجی‌گری خودارزشیابی مرکزی در دانشجویان متأهل شهر تهران پژوهشی انجام دادند.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعه موردی است و برای اجرای آن، از نظریه زمینه‌ای پژوهش کیفی استفاده شده است. مطالعه موردی از انواع روش‌های تحقیق است که به مطالعه عمیق یک مورد، موضوع یا پدیده خاص می‌پردازد و می‌تواند یک واحد یا سیستم با حدود مشخص و متشکل از عناصر متعدد و مرتبط باشد (Galini Moghadam, 2014).

سرمد و همکاران (۱۹۹۷) درباره هدف مطالعه موردی می‌نویسند: «هدف کلی، مشاهده تفصیلی ابعاد مورد مطالعه است. از این رو مطالعه موردی بیشتر به روش و تفسیر مشاهده‌ها از دیدگاه کل‌گرا، کیفی و با تأکید بر فرایندها و درک و تفسیر آن‌ها انجام می‌شود. مورد چنان انتخاب می‌شود که نمایان‌کننده وضعیت یا حالت کلی تحت مطالعه، یا مثالی از پدیده‌های مورد نظر باشد که پژوهشگر می‌خواهد درباره آن‌ها به درک عمیقی دست یابد (Sarmad et al., 1997). از نظر کی‌بین^۱ روش مطالعه موردی در مقایسه با دیگر روش‌ها در سه مورد ارجح است: ۱. زمانی که پرسش‌های اصلی تحقیق با چگونه و چرا شروع می‌شوند؛ ۲. زمانی که پژوهشگر هیچ کنترلی بر مسائل رفتاری ندارد؛ ۳. زمانی که مطالعه بر یک پدیده خاص (که برخلاف پدیده کاملاً تاریخی است) تمرکز دارد (Galini moghadam, 2014). در نظریه زمینه‌ای نیز، به جای استفاده از داده‌ها جهت آزمون فرضیه‌های برخاسته از ادبیات پژوهش، از گزارش‌های کلامی افراد درمورد تجاربشان به عنوان «داده» استفاده می‌شود. هدف نهایی، فراهم کردن مجموعه‌ای از مفاهیم نظری است که به بهترین شکل داده‌ها را توصیف کنند.

جامعه پژوهش حاضر، زوجین مراجعه‌کننده به یکی از مراکز مشاوره شهر تهران بودند که شکایت اصلی آن‌ها خیانت بود. از بین این زوجین، نمونه‌گیری به روش دردسترس و مبتنی بر هدف صورت گرفت. این مطالعه موردی، با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته، درباره یک زن و مرد متأهل پس از مراجعه برای دریافت کمک درمورد خیانت انجام گرفت. انتخاب این نمونه اجازه داد تا تمرکز عمیقی بر جلسات مشاوره داشته باشیم و بتوانیم آن‌ها را در ۱۴ جلسه حداقل ۱/۵ ساعته مطالعه کنیم.

۴. یافته‌ها

برای بررسی عمیق‌تر ازدواج پس از خیانت، پژوهش حاضر با تمرکز بر زوجین صورت گرفت. ابتدا شرایط زوجین و سپس گفته‌های آن‌ها در طول جلسات درمان بیان می‌شود.

آقا ۳۲ ساله دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و کارمند است. قبل از ازدواج بدون اطلاع خانواده با خانمی که یک سال از ایشان بزرگ‌تر بوده و فرزندی داشته، صیغه کرده است. یک سال و نیم صیغه بودند و چند روز از عقدشان گذشته بود که متوجه خیانت خانم شده است. تقریباً هم‌زمان با این اتفاق خانواده فهمیدند، در نتیجه رابطه را تمام کردند و جدا شدند.

خانم ۲۵ ساله، دیپلمه، کارمند است. چند ماهه بوده که پدرش را از دست داده است. مادر از سی‌سالگی هرازگاهی صیغه بوده و روابطی داشته و دختر شاهد رفت‌وآمدهایی به خانه‌شان بوده است. حدود پنج سال از ازدواج آن‌ها می‌گذرد.

در ادامه خلاصه‌ای از گفته‌های همسران به صورت تفکیک‌شده بیان شده است، که به درک بهتر سیر زندگی زناشویی‌شان کمک می‌کند.

گفته‌های آقا: ازدواجمان سنتی و به انتخاب مادرم بود. غریبه بود. چهار روز است فهمیده‌ام همسرم به من خیانت کرده است. امروز او را به خانه مادرش فرستادم. همسرم با همکاری رابطه دارد. هشت ماه پیش حراست در جریان بوده و هردو از محل کار

^۱. K.Yin

اخراج شده‌اند. دعوا و کتک‌کاری کردیم، به دادگاه مراجعه کردیم و از همسرم تعهد گرفتیم و به درخواست من مهرش را بخشید. سال گذشته چند ماه به مشاور مراجعه کردیم. خانواده خانم اروپایی و خانواده من سنتی و پایبند هستند. من خیلی دوستش دارم. اهل محبت کلامی نیستم. نمی‌خواستم از دستم برود. خانم با من لج است و فکر می‌کند من با او لج دارم. همه روی من حساب می‌کنند. در مشکلات و کیل خانواده‌ام بودم. پس از دیدن عکس‌های همسرم با همکارش، همه عکس و فیلم و پیام‌های تلگرام را درآوردم. نمی‌دانم آیا مرا دوست دارد. اگر خیالم راحت بشود که مرا دوست دارد ادامه می‌دهم. کل سال گذشته با هم بوده‌اند. می‌خواهم بدانم چه چیزی در آن مرد از من بهتر بود. می‌خواهم بدانم چه چیزهایی به او می‌گفت. همسرم با من صداقت ندارد. می‌گوید رابطه جنسی نبوده. با این عکس‌هایی که فرستاده و گفتگوهایی که کرده‌اند و خودش درخواست رابطه جنسی داده چطور باور کنم؟ من این را جنسی می‌دانم. از همان دوران عقد مردم تیکه می‌انداختند که او باید تو را همین‌طور بپذیرد و عوض بشود. سوءتفاهم بینمان زیاد بود. همسرم با خانواده خود بسیار روابط نزدیکی دارد که من خوشم نمی‌آید. گاهی با هم مشروب می‌خوریم. البته مدتی است همسرم نمی‌خورد. من با دوستانم برای کسب آرامش مشروب می‌خورم و گاهی گل می‌زنم.

پیگیری یک ماه پس از آخرین جلسه: گل را کنار گذاشتم و مصرف سیگار را کاهش دادم. به کمتر از شش نخ در روز رسانده‌ام. با هم می‌توانیم صحبت کنیم و مشکلاتمان را با گفتگو حل کنیم؛ مثلاً برای خرید مبلی راحتی برای مادرم توانستیم با هم تصمیم بگیریم و بحث و ناراحتی پیش نیامد. می‌توانیم درخواست‌هایمان را با هم در میان بگذاریم. توانستیم خواهرم را از دخالت در رابطه‌مان بازداریم و به او بفهمانیم ما با هم هستیم. در مورد مهدکودک فرزندمان با هم تصمیم مناسب گرفتیم.

گفته‌های خانم: آقا شکاک است. مرا تعقیب می‌کرد. نکن‌کن‌های خیلی زیاد دارد. بددل است. اگر بچه را بدهد می‌روم. کار من آن قدر بد و زشت بود که نمی‌دانم از کجا شروع کنم. من و همسرم با هم بحث می‌کردیم همکارم متوجه شد. همکارم شروع کرد به حرف زدن که همسرش وسواسی و بی‌توجه به او است. کم‌کم علاقه‌مند شدم. همسرم محبت کلامی نداشت. رابطه جنسی برقرار نشده، کاملاً پشیمانم. وابستگی عاطفی به همکارم ندارم. همسرم مرا سرزنش می‌کند که تو از مادرت یاد گرفتی. سال گذشته به‌خاطر ارتباط با نفر سوم و مشکلات زندگی‌ام حال خوب نبود رفتیم مشاوره. می‌خواستم از مشاور کمک بگیرم تا سروسامانی به زندگی‌م بدهم و بتوانم آن رابطه را قطع کنم. آن زمان همسرم اطلاع نداشت. چند ماهی است که رابطه قطع شده حال خوب شده است. ناراحت هستم که خیلی‌ها می‌دانند. البته موضوع علنی نشده، ولی همین پیچ‌ها مرا به هم می‌ریزد. استرس دارم و زیاد گریه می‌کنم. از همسرم می‌خواهم که با دوستانش زیاد وقت نگذرانند. در مورد خرید همکاری کند. خودم را دوست ندارم. حساب شده عمل نمی‌کنم. تا عقد همه چیز خوب بود، بعد تفاوت‌ها شروع شد. به من گفته بودند تو را چادری می‌کند. او هیچ‌وقت نخواست مرا بشناسد. خواست من را عوض کند. در مورد ازدواج آگاهی نداشتیم. همسرم تجربه قبلی داشت، من نداشتیم. او مذهبی بود، مغرور است. حکم پدر مرا داشته، من شوهر می‌خواهم. ازدواجمان اجباری، به درخواست مادربزرگم بود. سه سال با یک پسر بددل رابطه داشتم که قبل از ازدواج قطع کردم.

پیگیری یک ماه پس از آخرین جلسه: مشکلات من با خواهر همسرم کمتر شده، با فرزندم به پیاده‌روی می‌روم و بیشتر به او اهمیت می‌دهم. با هم به عکاسی رفتیم و عکس گرفتیم. با همسرم برای خرید خانه اقدام کردیم و برای جابه‌جایی به خانه جدیدمان برنامه‌ریزی کردیم. روان‌پزشک از داروهایم کم کرده، مدتی است نماز می‌خوانم و من و همسرم با هم به سفر زیارتی رفتیم. بگویم‌گوهایمان کمتر از گذشته شده است.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی موردی خیانت در یک زوج پرداخت که تحلیل یافته‌ها با توجه به جلسات درمان و پیشرفت زوج مضمون‌هایی را شناسایی کرد که در پنج دسته عوامل مؤثر در ایجاد خیانت، اثرات خیانت، عوامل مؤثر در بهبود خیانت و نتایج بهبود خیانت و موانع موجود در بهبود خیانت قرار گرفتند.

۵-۱. عوامل مؤثر در ایجاد خیانت

رابطه زناشویی قبل از خیانت: بررسی رابطه زناشویی قبل از خیانت، دو موضوع عمده را در رابطه زناشویی نشان داد: نداشتن ارتباط مطلوب و نبود رابطه عاطفی.

الف) نداشتن ارتباط مطلوب: آن‌ها روزانه درباره افکار و احساسات خود گفتگو نمی‌کردند. شاید درباره برنامه‌ریزی کارها یا موضوعات مراقبت از فرزند صحبت می‌کردند، اما قادر نبودند در مورد آنچه واقعاً اهمیت دارد- موضوعات شخصی یا مربوط به رابطه‌شان- صحبت کنند. همکاری مشترک بین همسران وجود نداشت. هنگام ارتباط و گفتگو، تعارض رخ می‌داد و همسران شروع می‌کردند به حمله و انتقاد یا فاصله گرفتن از همدیگر و در نهایت کار به زدوخورد می‌کشید.

ب) نبود رابطه عاطفی: این همسران احساس می‌کردند که فقط هم‌اتاقی همسرشان یا هم‌خانه‌ او هستند. آن‌ها در ازدواجشان احساس تنهایی می‌کردند و به نیازهای عاطفی هم پاسخ نمی‌دادند. خانم در رابطه زناشویی قبل از خیانت، نداشتن ارتباط عاطفی را گزارش کرد و همسرش ابراز محبت کلامی نداشت. فرد سوم دارای مهارت‌های کلامی قوی بود و علی‌رغم ویژگی‌های ظاهری نامناسب و سن بالا توانست خانم را فریب دهد. نداشتن پدر و سن بالای فرد سوم، جذابیت رابطه برای خانم را روشن‌تر می‌کند. وقتی زنان در مورد صمیمیت مطلوب در ازدواجشان دچار اضطراب شوند، ممکن است احساس کنند از سوی همسرشان نادیده گرفته شده‌اند و تمایل قوی برای مورد توجه قرار گرفتن داشته باشند که همین سبب کشش آن‌ها به سمت خیانت عاطفی می‌شود (Haines, 2011). به گفته خانم، رابطه جنسی وجود نداشت و در نتیجه خیانت عاطفی بود. قبل از افشای خیانت، رابطه جنسی زوجین کم و همراه با بی‌حوصلگی بود. حتی تبادل محبت بسیار کمی داشتند؛ به گونه‌ای که وقتی مادر بزرگ یکی از همسران چند روزی مهمان آن‌ها بود، به دیگران گفته بود این‌ها با هم خواهر و برادرند. این نوع خیانت بیشتر در زنان دیده می‌شود. به گفته گرین (۲۰۰۷)، زنانی که از ازدواجشان خشنود هستند، به فرصت‌های خیانت بی‌توجه یا بی‌علاقه هستند. پیشنهاد رابطه جنسی از سوی خانم داده شده بود که ممکن است علاوه بر سایر موارد ذکر شده به دلیل نارضایتی جنسی هم بوده باشد. برخی مطالعات (Buss & Shackelford, 1997) دریافته‌اند کسانی که نارضایتی جنسی دارند، به احتمال بیشتری مرتکب خیانت می‌شوند.

ارزش‌های مذهبی: اعتقاد کمتر خانم به ارزش‌های مذهبی را می‌توان از مواردی دانست که او را به سمت خیانت سوق داد. ارزش‌های مذهبی ممکن است بر تعهد مؤثر باشد و تعهد هم بر تمایل به خیانت اثر می‌گذارد (Atkins, 2001; Haines, 2011). اتکینز و کسل^۱ (۲۰۰۸) مشخص کردند که افراد مذهبی‌ای که در جلسات مذهبی به‌طور منظم شرکت نمی‌کنند، با احتمال بیشتر وارد روابط فرارزناشویی می‌شوند (Schonian, 2014).

خانواده مبدا: روابط متعدد مادر پس از فوت همسرش به‌نوعی این‌گونه روابط را برای فرزندش عادی کرده بود. گویی این بی‌ثباتی قسمتی از زندگی است. آگاهی او از رابطه همسرش با فردی قبل از ازدواجشان گویی مهر تأییدی بر دریافت‌های دوران کودکی بود. به گفته پیتمن (۱۹۸۹) رشد در خانواده‌ای پر از اسرار و تهدیدهای ثابت زناشویی موجب می‌شود کودکان باور کنند این نوع رفتار بهنجار است و آن‌ها می‌توانند در بزرگسالی این رفتار را انتظار داشته باشند (Greene, 2007). آمودئو^۲ (۱۹۹۴) که استعداد خیانت را با نظریه روابط ابژه مرتبط می‌داند، بیان می‌کند که سه سال اول زندگی مهم‌ترین نقش حیاتی را در توانایی شکل‌دهی روابط رضایت‌بخش و پایدار در بزرگسالی ایفا می‌کند «زخم‌های عاطفی ایجاد شده در این دوره می‌تواند اعتماد و صمیمیت نایمن به‌وجود بیاورد» (Greene, 2007).

روابط نامناسب در محیط کار: شروع رابطه فرارزناشویی خانم از محل کار با مرد همکار هم‌اتاقی‌اش بوده و رابطه آن‌ها در زمان یکی از بحران‌های زناشویی خانم، با ابراز همدردی مرد همکار نزدیک‌تر شده بود. ۴۶ درصد خیانت زنان و ۶۲ درصد خیانت مردان با همکارشان بوده است. در حال حاضر محل کار بیشترین زمینه را برای خیانت ایجاد می‌کند (Glass, 2003).

شبکه‌های مجازی: آقا با مشاهده گفتگوهای عاشقانه خانم و فرد سوم، و فیلم و عکس‌های نامناسب فرستاده شده از طریق تلگرام، از رابطه همسرش با فرد دیگری آگاه شد. در طول دهه گذشته افزایش کاربرد نادرست از اینترنت به موضوع مهمی در

^۱. Atkins & Kessel

^۲. Amodeo

درمان خانواده و زوجین تبدیل شده است. از طریق رسانه‌های چت‌روم^۱، پیام‌های فوری، فیس‌بوک و اسکایپ^۲ ایجاد رابطه فقط به معنای فشاردادن یک دکمه است. اثر این رابطه بر روابط فرد یا ازدواج می‌تواند مانند خیانت‌های آفلاین^۳ مخرب باشد.

۵-۲. اثرات خیانت

همسران آسیب‌دیده پس از افشای خیانت، همسر خیانتکار را به صورت یک فرد غریبه می‌بینند؛ به صورتی که گویی هیچ‌وقت همسرشان را نشناخته بودند. اثر خیانت در همسران به صورت تغییر احساس و اعتماد آن‌ها نسبت به هم دیده می‌شد که بر دیدگاه آن‌ها نسبت به زندگی اثر گذاشته و فرزند آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده بود.

تغییر احساس: در خانم، اضطراب زیاد و بی‌قراری آشکار وجود داشت که از سوی روان‌پزشک دارو داده شد و آقا هم نگرانی بسیار در مورد وفاداری همسرش داشت. بررسی‌ها نشان داده است که اثرات خیانت می‌تواند به صورت نشانه‌های روان‌شناختی مانند افسردگی و اضطراب هم باشد که ممکن است موجب مشکلات جدی سلامت روان شود (Schonian, 2014).

شکسته شدن اعتماد: بی‌اعتمادی و نگرانی آقا در مورد ازدست‌دادن همسرش بیان شد: «چگونه می‌توانم اطمینان داشته باشم به من حقیقت و احساس واقعی‌اش را می‌گوید؟ گاهی اوقات اصلاً نمی‌توانم به او اعتماد کنم.» خیانت اعتماد بین همسران را نابود می‌کند (Haines, 2011).

مشکلات رفتاری فرزند: در اثر خیانت و آشفته‌شدن رابطه والدین، کودک سه‌ساله آن‌ها شاهد زدو خورد و ناسازگاری‌شان بود و مضطرب، لجباز، نافرمان و پرخاشگر شده بود؛ به طوری که حتی در مرکز مشاوره مدام در حال پرتاب کردن اشیاء یا لگزدن و آسیب‌زدن بود. در شرایط کنونی علاوه بر این، آن‌ها حوصله سروکله‌زدن با فرزندشان را نیز نداشتند. طبق نظر نوگالس^۴ (۲۰۰۹) بچه‌هایی که والدینشان مرتکب خیانت شده‌اند، مشکلات رفتاری و علائم اضطراب را نشان می‌دهند. والدین پریشان‌حواس هستند و از لحاظ عاطفی و جسمی کمتر در دسترس کودکانشان قرار دارند (Haines, 2011).

۵-۳. عوامل مؤثر در بهبود خیانت

تقویت رابطه زوجین: در طول جلسات، ارتباط مطلوب و عاطفی مورد توجه قرار گرفت. زوجین بیشتر احساساتشان را با هم در میان گذاشتند، بهتر به همدیگر گوش کردند، زمان بیشتری برای انجام کارها با یکدیگر صرف کردند و در طول روز از یکدیگر خبر گرفتند. احترام متقابل به همدیگر را رعایت کردند، از نیازهای یکدیگر مطلع شدند و در طول روز عشقشان را به هم یادآوری کردند. پاسخ‌های مناسبی که هر همسر به درخواست‌های طرف مقابل برای توجه، احساسات و ارتباط می‌داد، به بازسازی رابطه و ایجاد اعتماد کمک کرد. با تکرار این پاسخ‌ها، کم‌کم وضعیت سردرگمی و تردید جای خود را به عشق و اعتماد داد.

بازسازی اعتماد بین زوجین: ترمیم علاقه و ارتباط عاطفی به این زوج کمک کرد که پیوندشان را بهبود بخشند و اعتماد را دوباره ایجاد کنند. ملکی‌پور، صادقی‌فسایی و قاسمی (۲۰۲۲) وفاداری را موضوعی ترمیمی و تجدیدشونده می‌دانند که در حیات زناشویی بازخوانی و دوباره ساخته می‌شود. بعد از سال‌ها بررسی در درمان هیجان‌محور^۵ (EFT)، جانسون (۲۰۰۵) دریافت در بهبود رابطه زوجین درگیر خیانت، بازسازی اعتماد نقش حیاتی دارد. لازم است برای ایجاد درگیری عاطفی بین زوجین گام‌هایی طی شود؛ زیرا همراه با خیانت، حس بی‌وفایی و انزوا در فرد به وجود می‌آید.

واکنش همسر آسیب‌دیده: واکنش اولیه آقا شوک، سردرگمی و آشفتگی ذهنی و واکنش اولیه خانم پشیمانی، ناراحتی و شرمندگی بود. همسر درگیر خیانت بنا بر اینکه خودش خیانت را آشکار ساخته یا با همسرش یا فرد دیگری مواجه شده و خیانت

۱. Chat room

۲. Skype

۳. Off-Line

۴. Nogales

۵. Emotion Focused Therapy

فاش شده متفاوت است. واکنش‌های فیزیکی و عاطفی همسران از شوک اولیه تا خشم شدید یا غم و اندوه بسیار متغیر است (Haines, 2011). در مورد این زوج، آقا خودش متوجه خیانت خانم شده بود. از جمله علت دعوای آن‌ها پس از افشای خیانت سوالات مکرر آقا در مورد این مسائل بود که در نهایت سبب زدو خورد بین آن‌ها می‌شد. براساس نظر امینی‌ها، فرح‌بخش و اسمعیلی (۲۰۱۵)، هنگام افشای خیانت، همسران راهبردهای تعاملی مختلفی را به کار می‌بندند. از جمله این راهبردها رقابت است که ویژگی اولیه آن نزاع و نبرد قدرت است. در اینجا زوج پس از نزاع وارد مرحله اجتناب شدند. این مرحله همراه با ناامیدی بود و می‌خواستند به هر نحوی شده از تعارض امتناع کنند. در طول درمان تلاش شد راهبرد تعاملی مشارکتی را بیاموزند و به کار ببرند. براساس نظر جانسون (۲۰۱۰) خیانت به نیازهای اصلی فرد از جمله امنیت، آسایش و حفاظت حمله می‌کند و فیلتری می‌شود که شخص از طریق آن ازدواج و سایر روابط را ببیند. همسر آسیب‌دیده به دنبال درک علت خیانت است. در نتیجه تعاملات بین همسران اغلب آشفته و شدیداً منفی هستند و به جای حل مشکل به سرخوردگی و خشم منجر می‌شوند (Gorden et al., 2005).

حمایت خانواده گسترده: خیانت اثری موجهی ایجاد می‌کند که به کل سیستم خانواده می‌رسد. اینکه خیانت چگونه مدیریت می‌شود، به اندازه خود خیانت مهم است. با اینکه اعضای خانواده گسترده به روشنی از چگونگی مسئله آگاه نبودند، دو نوع واکنش نشان دادند. خانواده آقا بیشتر شرمندگی، سرزنش و خصومت و کمی حمایت، خانواده خانم در ابتدا ناباوری و سرزنش خانم و بعد از مراجعه به مرکز مشاوره حمایت.

تقویت مفهوم خانواده ما و تنظیم مرزها: به زوجین آموزش داده شد با تنظیم مرزها روابط خود و خانواده گسترده را تنظیم کنند، ارتباط با خانواده آقا به علت سکونت در یک آپارتمان بیشتر بود؛ بنابراین بر مفهوم «خانواده ما» تأکید شد تا مرزها مشخص‌تر و همبستگی درونی خانواده هسته‌ای بیشتر شود. البته از این مفهوم در ارتباط با خانواده خانم هم استفاده شد؛ چرا که یکی از شکایت‌های آقا روابط زیاد خانم با خانواده‌اش بود.

بخشودگی فرد آسیب‌دیده: آقا بخشش را انتخاب کرد و با تجربه تلخ و درد از پا نیفتاد. تصمیم به بخشش به طرق مختلف اجرایی شد، مانند حضور در مشاوره، اجازه به خود برای کنار گذاشتن اندوه، عبادت و بهبود رابطه با خدا. او تلاش کرد درباره همسرش افکار منفی نداشته باشد و کمتر به دنبال مجازاتش باشد. علاوه بر آن کمک به خانم برای بخشیدن خودش و کاهش احساس گناه بخشی از این فرایند بود تا احساس بهتری به خود داشته باشد. طبق بررسی‌های اینز (۲۰۱۱)، در فرایند بخشش توانایی همسران درگیر خیانت در بخشیدن خود و پذیرش بخشش همسرشان اهمیت دارد.

رابطه با خدا: اعتقاد بیشتر آقا به ارزش‌های مذهبی (سنتی) موجب افزایش تعهد او و انگیزه برای تداوم زندگی بود. همان‌طور که اینز گفته است، باورهای مذهبی بر میزان تعهد فرد به زندگی اثر می‌گذارد. همچنین فاتحی‌زاده و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای نشان دادند باورهای معنوی، همسر آسیب‌دیده را در مقابل خیانت و نتایج آن مقاوم می‌کند. همسران به تقویت عقاید و رفتارهای مذهبی و بهبودی رابطه با خداوند پرداختند.

مشاوره زوج و آموزش فردی: زوجین حضور مشاوره کارآموده را در طی کردن این دوره پر بحران بسیار مؤثر دانستند و معتقد بودند بدون راهنمایی‌های فردی متخصص و مجرب پایان خوشی را نمی‌توانستند برای خود رقم بزنند.

۴-۵. نتایج بهبود خیانت

بهبود خود: هریک از زوجین توانستند به خود در رابطه نگاهی بیندازند که ویژگی‌های مخرب را تغییر دهند. آقا مسائل خانواده مبدأ خود و روابط عاشقانه با همسرش را بررسی کرد. هم‌اکنون مصرف الکل و گل تفریحی قطع شده و فقط سیگار روزی چند نخ استفاده می‌شود. یاد خدا در زندگی پررنگ‌تر شده است. زن در مسیر درمان کمتر همکاری می‌کرد و فردی با گرایش به خشم، حق‌به‌جانب و بی‌قرار بود. در ابتدای حضور در جلسات آشفته بود و نشانه‌های کتک‌کاری در آن‌ها دیده می‌شد. با گذشت زمان و پیشرفت جلسات آرام‌تر شد و با ظاهری مرتب‌تر حضور یافت.

بهبود رابطه همسران: هریک از همسران متوجه تغییر روابطشان با یکدیگر و فرایند بهبودی و شفابخشی شده بودند. به عنوان بخشی از فرایند بهبودی، زوجین آموختند لازم است همسران در دسترس هم باشند و نیازهایشان را با هم در میان بگذارند. پس از

آن همسر آسیب‌دیده توانست اعتماد کند و ببیند که همسرش قادر است برای او حمایت و آرامش فراهم کند و خود را نیز شایسته مراقبت بداند. زوجین در بهبود رابطه زناشویی خود پس از خیانت، گفتگوی روزانه، برآورده کردن نیازهای همسر و پاسخگویی عاطفی به همسر را مؤثر دانستند.

بهبود رابطه والدین و فرزند: قسمتی از جلسات صرف آموزش مهارت‌های فرزندپروری به زوج شد. بهبود رابطه والد-فرزندی و کاهش ناسازگاری رفتاری فرزند پس از چندین جلسه گزارش شد.

۵-۵. موانع موجود در بهبود خیانت

خانواده و دوستان غیرحمایت‌گر و روابط نامناسب در محیط کار عواملی هستند که در مسیر بهبودی زوجین مضر ذکر شده‌اند. شریک خیانت، همکار زن بود و پس از آشکارشدن رابطه، هردو از محل کار اخراج شدند. گلس^۱ (۲۰۰۳) بر خطر محیط کار تمرکز کرده است. او بر اهمیت تنظیم مرزها با مفهوم «دیوارها و پنجره‌ها» تأکید کرده تا دیوارها ازدواج را از صمیمیت با بیگانه‌هایی که می‌توانند ازدواج را تهدید کنند حفظ کنند و پنجره‌ها برای صمیمیت با همسر باز نگه داشته شوند. موضوعات حاصل از این پژوهش که نشانگر عوامل مؤثر در خیانت و بهبود آن و نتایج درمان است، در نمودار ۱ آمده است.

۱. Glass



نمودار ۱. فرایند بهبود خیانت

۶. محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

محدودیت این پژوهش عدم امکان ضبط جلسات مشاوره بود که به‌ناچار از گزارش‌های نوشته‌شده بلافاصله پس از جلسات و یادداشت‌برداری‌های کوتاه در طول جلسات استفاده شد.

برای تأثیر شدیداً منفی افشای خیانت بر فرزندان و اهمیت تربیت فرزندان بر خوردار از سلامت جسمی و روانی پیشنهاد می‌شود اثر خیانت بر فرزندان و چگونگی کاهش تأثیرات منفی آن پژوهش شود. همچنین با توجه به نیاز زوجین به حمایت در طول این بحران خانوادگی لازم است گروه‌های حمایتی زنان و مردان درگیر خیانت زیر نظر متخصصان ایجاد شود و درمان طولانی‌مدت مدنظر

قرار گیرد.

۷. تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

References

- Aminiha, A., Farahbakhsh, K., & Esmaeili, M. (2015). A qualitative examination of spouses' reactions to disclosure of marital infidelity. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 5(3), 72-92. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516654.1394.5.3.4.4> (In Persian)
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: correlates in a national random sample. *Journal of Family Psychology*, 15(4), 735-749. <https://doi.org/10.1037/0893-3200.15.4.735>
- Blow, A. J. & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships I: A methodological review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31(2), 183-216. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2005.tb01555.x>
- Buss, D. M., & Shackelford, T. K. (1997). Susceptibility to infidelity in the first year of marriage. *Journal of Research in Personality*, 31, 193-221. <https://doi.org/10.1006/jrpe.1997.2175>
- Clyde, T. L., Hawkins, A., & Willoughby, B. (2020). Revising premarital relationship interventions for the next generation. *Journal of Marital and Family Therapy*, 46(1), 149-164. <https://doi.org/10.1111/jmft.12378>
- Cousins, A. J., & Gangestad, S. W. (2007). Perceived threats of female infidelity, male Proprietariness, and violence in college dating couple. *Violence and Victims*, 22, 651-668. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1891/088667007782793156>
- Crouch, E., & Dickes, L. (2016). Economic repercussions of marital infidelity. *International journal of sociology and social policy*, 36(1/2), 53-65. <https://doi.org/10.1108/IJSSP-03-2015-0032>
- Damavandi, N., Niknam, M., & Hashemi, M. (2024). Childhood trauma and attitudes toward marital infidelity: The mediating role of core self-evaluation. *Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology*. <https://doi.org/10.30486/jsrp.2024.2002702.3880> (In Persian)
- Fatehizadeh, M., Rahimi, A., & Yousefi, Z. (2016). The lived experiences of Iranian woman, injured from their husbands infidelity. *Modern Applied Science*, 10(4), 70-75. <http://dx.doi.org/10.5539/mas.v10n4p70> (In Persian)
- Glass, S. P. (2003). *Not "just friends": Protect your relationship from infidelity and heal the trauma of betrayal*. New York, NY: Free Press.
- Golini Moghadam, G. (2014). Case study: Research design and methods. *Book Review Quarterly (Information and Communication)*, 1(3-4), 251-258.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2017). *Family Therapy: An overview*. Los Angeles: Thomas Brooks/Cole.
- Gorden, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2005). Treating couples recovering from infidelity: An integrative approach. *Journal of Clinical Psychology*, 61(11), 1393-1405. <https://doi.org/10.1002/jclp.20189>
- Greene, K. H. (2007). *Awareness of parental infidelity on college students reported commitment in romantic relationship*. The Florida State University. ProQuest LLC.
- Haines, J. M. (2011). *The attachment experience of infidelity: A phenomenological study. (Doctoral Assertion)*. Saint Louis University. ProQuest LLC.
- Henline, B. H., Lamke, L. K., & Howard, M. D. (2007). Exploring perceptions of online infidelity. *Personal Relationships*, 14, 113-128. <https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.2006.00144.x>
- Hertlein, K. M., Wetchler, J. L., & Piercy, F. P. (2005). Infidelity: Innovations in clinical and educational interventions. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4(2-3), 5-16.
- Hertlein, K. M. (2011). Therapeutic dilemmas in treating internet infidelity. *The American Journal of Family Therapy*, 39(2), 162-173. <https://doi.org/10.1080/01926187.2010.530927>
- Johnson, S. (2010). *Perceptions of Online Infidelity (Doctoral Assertion)*. United States: ProQuest LLC.
- Khumas, A., Indahari, N. A., & Rachman, A. T. (2020, October). Rebuilding Trust; Psychological Change in Couples Who Has an Affair. In *3rd International Conference on Education, Science, and Technology (ICEST 2019)* (pp. 109-114). Atlantis Press. <http://dx.doi.org/10.2991/assehr.k.201027.024>
- Lammers, J., Stoker, J. I., Jordan, J., Pollmann, M., & Stapel, D. A. (2011). Power increases infidelity among men and women. *Psychological Science*, 22(9), 1191-1197. <https://doi.org/10.1177/09567976114162>

- Leavitt, A. (2023). Finding Peace After Betrayal by Healing Shattered Trust Schemas. *Issues in Religion and Psychotherapy*, 41(1), 4. <https://scholarsarchive.byu.edu/irp/vol41/iss1/4>
- Malekipour, Z., Sadeghi Fasaei, S., & Ghasemi, A. (2023). Types of loyalty and procedures for shaping it in married life. *Iranian Journal of Social Sciences*, 29(97), 39-79. <https://doi.org/10.22054/qjss.2023.73001.2627> (In Persian)
- Mattingly, B. A., Wilson, K., Clark, E. M., Bequette, A.W., & Weidler, D. J. (2010). Foggy faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample. *Journal of Family Issues*, 31(11), 1465-1480. <https://doi.org/10.1177/0192513X10362348>
- Mitchell, E. A., Wittenborn, A. K., Timm, T. M., & Blow, A. J. (2022). Affair recovery: Exploring similarities and differences of injured and involved partners. *Journal of Marital and Family Therapy*, 48(2), 447-463. <https://doi.org/10.1111/jmft.12538>
- Netagh, M., Kayani, G., Ghamari, M., Asadi, M., & Ghomari, M. (2024). The effectiveness of the infidelity prevention model based on the marital enrichment approach and the acceptance and commitment approach on the tendency towards infidelity and marital compatibility. *Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology*. <https://doi.org/10.30486/jsrp.2021.1912070.2671> (In Persian)
- Rokach, A., & Chan, S. H. (2023). Love and infidelity: Causes and consequences. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(5), 3904. <https://doi.org/10.3390/ijerph20053904>
- Schonian, S. (2014). Perceptions and definition of infidelity: a multimethod study (*Doctoral Assertion*). University of Nevada, Las Vegas. United States: ProQuest LLC.
- Shackelford, T. K., Buss, D. M., & Bennett, K. (2002). Forgiveness or breakup: Sex difference in response to a partner's infidelity. *Cognition and Emotion*, 16, 299- 307. <https://doi.org/10.1080/02699930143000202>
- Shani Habibi, Sh. (2010). Gender, age, and previous sexual history: Differences in defining sexual infidelity and emotional infidelity (*Doctoral Dissertation*). Alliant University, Los Angeles, California, ProQuest LLC. (In Persian)
- Sharifi, N. S., Motabi, M., & Pahlavan, M. (2024). Predictors of infidelity from the perspectives of unfaithful and betrayed women: A qualitative study. *Family Research*. <https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.172> (In Persian)
- Stanford, P. (2013). Marriages after infidelity: A prospective study (*Doctoral Assertion*). The Florida State University. Saint Louis University. ProQuest LLC.
- Thornton, V., & Nagurney, A. (2011). What is infidelity? Perceptions based on biological sex and personality. *Psychology Research and Behavior Management*, 4, 51-58. <https://doi.org/10.2147/PRBM.S16876>
- Whisman, M. A., Gordon, K. C., & Chatav, K. C. (2007). Predicting sexual infidelity in a population-based sample of married individuals. *Journal of Family Psychology*, 21, 320- 324.
- Whitty, M. T., & Quigley, L. L. (2008). Emotional and sexual infidelity offline and in cyberspace. *Journal of Marital and Family Therapy*, 34(4), 461-468. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2008.00088.x>
- Witt, E. A., & Donnellan, M. B. (2008). Furthering the case for the MPQ-based measures of psychopathy. *Personality and Individual Differences*, 45, 219-225. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2008.04.002>